

حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک: تجاربی از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه

جمال بزرگری خانقاه*

استادیار گروه حسابداری دانشگاه یزد

محمد علی فیض پور

استادیار گروه اقتصاد دانشگاه یزد

چکیده

سازمان امور مالیاتی رابط اصلی بین دولت و شهروندان است که عملکرد خوب آن نمادی از دولت خوب محسوب می‌گردد. بدین علت در سال‌های اخیر سیاست‌گذاران با آگاهی یافتن از اهمیت این موضوع به دنبال روش‌هایی هستند تا ضمن ترویج و توسعه کسب و کار در کشور موجب اطمینان منطقی از رعایت و پرداخت داوطلبانه مالیات در کشورها گردد. یکی از این سیاست‌ها و روش‌ها بهره‌گیری از حسابرسی‌های مدرن با رویکرد مدیریت ریسک بوده و این رویکرد، عنصری اساسی جهت مدیریت کارآ و اثربخش رعایت تمکین مالیاتی بحساب می‌آید. این دیدگاه می‌کوشد تا با اولویت‌بندی عملیات در سازمان مالیاتی، مسیر تعامل بین مودیان و سازمان را به سمت تبعیت مالیاتی بهتر از سوی مودیان و کاهش تنش‌های مالیاتی سوق دهد. بنابراین، مقاله حاضر با هدف بررسی مبانی نظری حسابرسی مالیاتی با دیدگاه مدیریت ریسک و همچنین نگرشی بر تجارب کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در این زمینه طراحی شده است. این مقاله همچنین می‌کوشد تا با بهره‌گیری از این تجارب، به ارائه راهکاری مناسب در این حوزه در ایران بپردازد.

واژه‌های کلیدی: حسابرسی مالیاتی، ریسک، خودتشخیصی، تمکین مالیاتی، حسابرسی مالیاتی مبتنی بر

ریسک

مقدمه

به منظور ایجاد یک سیستم پویای اقتصادی و در جهت مقابله با پیچیدگی‌های نظام اقتصادی و تحولات نوین در نظام بازرگانی جهانی، مسئولان سیاسی و اقتصادی ممالک جهان در پایان جنگ جهانی دوم بر آن شدند تا در جهت اصلاح اهرم‌های تنظیم‌کننده سیاست‌های اقتصادی، تلاش‌های جدیدی را آغاز کنند. آنان دریافتند که یکی از مهم‌ترین مکانیسم‌های تنظیم‌کننده فعالیت‌های بازار، ابزار مالی مالیات است که در صورت استفاده بهینه از آن در مناسبات اقتصادی و روابط بین‌المللی، می‌توان جایگاه مطمئن و مستحکمی را پایه‌ریزی کرد. از مهم‌ترین وظائف نظام‌های مالیاتی، هدایت اقتصاد در مسیر درست آن است. در واقع، اهرم مالیات یکی از موثرترین حربه‌ها در هدایت اقتصاد کشور به شمار می‌رود.

کارکردهای اصلی ابزار مالیات را می‌توان به طور اصلی در تأمین درآمدهای عمومی کشور، گسترش عدالت (بازتوزیع ثروت)، تخصیص مجدد منابع، ثبات اقتصادی و تجهیز منابع مالی و تشکیل سرمایه برشمرد و این در حالی است که در حال حاضر، یکی از مشکلات مدیریت مالیاتی در جهان بحث فرار و عدم تمکین مالیاتی است. تحقیقات جهانی نشان از فرار مالیاتی و سایر موارد عدم تمکین مالیاتی بین ۱۰ تا ۱۵ درصد را دارد (سازمان تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی و سیاسی، ۲۰۱۱). با این وجود، هرچند رقمی دقیقی در مورد میزان فرار مالیات در ایران و گروه‌های عدم تمکین‌کننده وجود ندارد ولی کارشناسان فرار مالیاتی را در ایران بیش از ۵۰ درصد حجم واقعی مالیات وصولی می‌دانند (شهسواری، ۱۳۸۹). همچنین، کارشناسان بر این باورند که نظام مالیاتی به سیستمی نیازمند است که بتواند حداکثر میزان مالیات عادلانه و قانونی را با حداقل نیرو و مخارج و در کوتاه‌ترین مدت وصول نماید. در این صورت این سیستم می‌تواند پاسخگو نیازهای نظام مالیاتی باشد. آنان معتقدند که سیستم جدید در عین حال بایستی به گونه‌ای باشد که ادارات دارائی را برای سالیان سال به صورت یک طلبکار بزرگ باقی نگذارد و آن را از وضعی که هم اکنون دچار آن است؛ رهایی بخشد. توقع دیگر از سیستم جدید ضربتی بودن آن است، بدین معنا که سیستم به گونه‌ای باشد که برای هر سال بتواند به خوبی از عهده مالیات مقرر در لایحه بودجه برآید (رضایی، ۱۳۸۹). هر چند طی سال‌های اخیر سیاست‌گذاران مالی کشور با تصویب ماده ۲۷۲ ق. م. م و همچنین قانون استفاده از خدمات حسابداری رسمی بدنبال افزایش کارایی سیستم مالیاتی کشور بوده‌اند ولی نتایج تحقیقات موجود نشان‌گر وجود تفاوت در بررسی‌ها و تعیین درآمد مشمول مالیات از سوی این دو گروه بوده است (باباجانی و مرادمند، ۱۳۸۷).

برای پاسخ به چنین نیازهایی در سازمان‌های مالیاتی، امروزه بسیاری از سازمان‌های جهانی و کارشناسان حرفه‌ای بر این باورند که پیشرفت‌های صورت گرفته در بحث محاسبات (استفاده از روش‌های آماری پیشرفته و اقتصادسنجی) و استفاده از روش‌های جدید حسابرسی در دسترس همچون استفاده از حسابرسی تصادفی و حسابرسی مبتنی بر ریسک، عواملی موثر در جلوگیری از فرار مالیاتی و سایر موارد عدم تمکین محسوب می‌شود. ادعا بر آن است که سیستم حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک با تمرکز بر حسابرسی مودیان با ریسک بالا، موجب تخصیص بهینه منابع سازمان امور مالیاتی و افزایش تمکین مالیاتی می‌گردد. از نگاه آنان و به طور خلاصه، حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک دارای مزایای زیر است:

- حذف اشتباهات انسانی در انتخاب برای ممیزی
- حذف قضاوت‌های شخصی
- افزایش درآمدهای مالیاتی به سبب ممیزی اظهارنامه‌هایی که احتمال میزان فرار مالیاتی در آن‌ها بیشتر است.
- کارایی و اثربخشی بیشتر سرمایه انسانی سازمان امور مالیاتی
- امکان تدوین استانداردهای لازم برای ارزیابی و ممیزی اظهارنامه‌ها
- امکان بررسی میزان تطبیق موارد ابرازی مودی با وضعیت جاری اقتصادی و سایر پارامترهای مرتبط
- کاهش هزینه حسابرسی مالیاتی
- کاهش فسادهای احتمالی در روابط بین ممیز و مودی
- به روز رسانی آسان بانک‌های اطلاعاتی مورد استفاده
- افزایش انگیزه تمکین مالیاتی از سوی مودیان
- قابلیت اجرا با حداقل داده‌ها و امکانات (بطور مثال یمن و تانزانیا)

حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک با همه مزایا، در ایران اما چندان مورد توجه قرار نگرفته و بر اساس دانسته‌های محققین این مطالعه، پژوهش‌های بسیار اندکی در این راستا صورت گرفته است. بر این اساس و به عنوان گام‌هایی نخستین، این مقاله می‌کوشد تا حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک را از زوایای مبانی تئوریک و تجارب سایر کشورها برای استفاده در ایران مورد بررسی قرار دهد. با چنین رویکردی، مطالب این مقاله در شش بخش تنظیم شده است. پس از مقدمه،

بخش دوم به مروری بر تعاریف و مفاهیم حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک اختصاص یافته است. در بخش سوم مبانی نظری ارائه گردیده و بخش چهارم اصول اساسی و مراحل اجرای حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک مورد بحث قرار می‌دهد. بخش پنجم حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک را در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به تصویر می‌کشد. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و سیاست‌های پیشنهادی نیز در بخش ششم ارائه می‌شود.

حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک: تعاریف و مفاهیم

برای آشنایی با مفهوم حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک، آشنایی با مفاهیم متعددی لازم بوده و در این میان مفهوم تمکین مالیاتی (عدم تمکین مالیاتی) از عمده‌ترین این مفاهیم محسوب می‌شود.

تمکین مالیاتی^۲

تمکین مالیاتی به مفهوم پایبندی مؤدیان به تکالیف مالیاتی و رعایت قوانین مالیاتی از سوی آن‌ها است. تمکین مالیاتی از جمله اهداف تمام سیستم‌های مالیاتی دنیا است که در آرزوی آن به سر می‌برند و بعضاً تا حد بسیار خوبی به آن دست یافته‌اند. راهکارهای ارتقای تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی از یک سو به منابع، عوامل، نیروی انسانی، امکانات فیزیکی و از سوی دیگر به مدیریت، زمان‌سنجی، تغییر فرآیند و ساز و کارهای بازخوردی نیاز دارد. برای ارتقای سطح تمکین داوطلبانه دو راهکار اساسی پیشنهاد می‌گردد:

الف) ایجاد و توسعه سیستم‌های خود ارزیابی مؤدیان و ترویج تبعیت اختیاری

ب) بکارگیری حسابرسی مبتنی بر ریسک.

سیستم خود ارزیابی مالیاتی، عموماً بر این برهان استوار است که مؤدی بیش از هر کس به اوضاع و احوال مالی و درآمدی خویش آگاه است. بنابراین اگر سیستم مالیاتی به جایگاهی برسد که مؤدیان آن، خود به تشخیص صحیح مالیاتی پردازند قطعاً از جنبه‌های مختلف باعث بهبود وصول مالیات خواهد شد. در این سیستم نقش ماموران مالیاتی کنترل و بررسی این مطلب خواهد بود که آیا مؤدی درآمد خود را به درستی اعلام داشته است؟ و آیا معافیت‌ها و کسورات اعمال شده قانونی بوده است؟ و اگر کار صحیح انجام نشده رقم واقعی مالیاتی قابل وصول چه میزان است؟ این کنترل و بررسی ممکن است نه در همه موارد، بلکه به شکل نمونه‌ای انجام شود. نقطه

مقابل این ترتیب، سیستم دیگری است که براساس آن مراجع مالیاتی خود مسئول تعیین مالیات و اخذ آن می‌باشد. همان‌گونه که اشاره شد سیستم خودارزیابی زمانی متمر ثمر خواهد بود که همراه با کنترل و بررسی انجام پذیرد (حسابرسی مالیاتی). منتهی حسابرسی مالیاتی زمانی منجر به ایجاد مدیریت کارآ و اثربخش مالیاتی خواهد شد که همراه با دیدگاه مدیریت ریسک باشد. این نیز بدان دلیل است که در عمل، حسابرسی تمام مودیانی که به صورت خود تشخیصی (خود اظهاری^۳ یا خود ارزیابی) عمل نموده‌اند؛ توسط سازمان امور مالیاتی امکان پذیر نمی‌باشد. محدودیت‌های هزینه و زمان عمده‌ترین دلیل چنین امری است. بنابراین، می‌توان انتظار داشت استفاده از سیستم حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک، که با تمرکز بر حسابرسی مودیان با ریسک بالا موجب تخصیص بهینه منابع سازمان امور مالیاتی و افزایش تمکین مالیاتی می‌گردد؛ از مناسب‌ترین روش‌های ممکن تلقی شود.

فرار مالیاتی^۴ و اجتناب مالیاتی^۵

فرار مالیاتی عملی است که به عمد یا غیرعمد به عدم پرداخت مالیات به دولت منتهی می‌شود. با این حال وجود لغت فرار در این ترکیب نشان از آن دارد که مقصود بیشتر افعال عمدی است؛ یعنی مجموع روش‌ها و تکنیک‌هایی که فرد با اتکا به آنها از پرداخت مالیات می‌گریزد. از سوی دیگر، اگر تمکین مالیاتی به عنوان پایبندی داوطلبانه مودیان به قانون مالیاتی و تکالیف مالیاتی تفسیر شود؛ در این صورت عدم تمکین عبارت عدم پایبندی به قوانین و مقررات و انجام تکالیف قانونی است. البته درجه تمکین مالیاتی در هر کشوری، معیار سنجش کارایی سیستم مالیاتی آن کشور خواهد بود و میزان عدم تمکین را می‌توان با شکاف مالیاتی اندازه‌گیری کرد. از نگاه ونزل^۶ (۲۰۰۲) عدم تمکین مالیاتی^۷ شامل کلیه فعالیت‌هایی است که از نظر سیستم سازمان مالیاتی قابل قبول و مطلوب نمی‌باشد. او عدم تمکین را به بخش پرهیز (اجتناب) مالیاتی و فرار مالیاتی تقسیم می‌کند. از نگاه ونزل، کاهش مالیات که با استفاده از ابزارهای قانونی صورت می‌گیرد با پرهیز مالیاتی تعریف می‌شود و عدم پرداخت مالیات و بدهی مالیاتی با استفاده از ابزارهای مجرمانه فرار مالیاتی است.

گروه‌های عدم تمکین کننده مالیاتی^۸

گروه‌های عدم تمکین کننده مالیاتی را می‌توان به دو گروه معترضان نظام مالیاتی^۹ و مقاومان مالیاتی^{۱۰} تقسیم نمود. آن گروه از عدم تمکین کنندگان و فراریان مالیاتی که با تفسیر خود، خود را مشمول قانون مالیات نمی‌دانند و به کرات با استدلال‌ها و اعتراضات غیرمنطقی به رای هیات‌ها و دعوی وقت خود و سازمان را تلف می‌کنند؛ معترضان مالیاتی قلمداد می‌شوند. گروه دوم که بیشتر در فکر حفظ منابع مالی خود بوده و توجهی به قوانین مالیاتی ندارند و آن را به عنوان اجباری دولتی می‌دانند را مقاومان مالیاتی می‌نامند (برگ^{۱۱}، ۲۰۰۴).

حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک: مبانی نظری

در ادبیات اقتصاد نظری موضوع تمکین مالیاتی اغلب از دیدگاه مودی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بر اساس فرضیات تئوری حداکثر کردن مطلوبیت مورد انتظار، مودی زمانی تمکین مالیاتی و پرداخت مالیات را انجام خواهد داد که هزینه تمکین بیشتر از خالص منفعت عدم تمکین نگردد. هزینه تمکین مالیاتی عبارت است از میزان مبلغ پرداختی بابت مالیات، زمان صرف‌شده و سایر منابعی که لازم است در راستای تبعیت مالیاتی هزینه گردد. درحالی که هزینه‌های عدم تمکین مالیاتی می‌تواند هزینه ترتیبات غیر شفاف با کارکنان مالیاتی، محدودیت یا محرومیت از استفاده از اعتبارات مالیاتی و محدودیت در دسترسی به خدمات عمومی را شامل شود. در چنین شرایطی، حداکثرسازی مطلوبیت مودی بستگی به احتمال افشاء شدن موضوع عدم تمکین توسط سازمان امور مالیاتی و پشتوانه‌های قانونی برای اجرایی شدن آن دارد. با این وجود و در مجموع، این موضوع که هزینه‌های عدم تمکین مالیاتی در مقایسه با هزینه‌های تمکین مالیاتی در چه جایگاهی قرار می‌گیرد به نقش سازمان امور مالیاتی به عنوان بازیگر استراتژیک این حوزه بستگی داشته، موضوعی که در مطالعات متعددی و من جمله الم و همکاران^{۱۲} (۱۹۹۳) و الم و مک کی^{۱۳} (۲۰۰۴) مورد بررسی قرار گرفته است.

با نگاه فوق و در یک مدل ساده، مطلوبیت مورد انتظار شخص جهت فرار از مالیات را می‌توان به شرح زیر ارائه نمود:

$$E U = (1-P) U y^- + P U (y^-) - (y^-)$$

که در آن:

y: درآمد فرد که همانند نرخ مالیات () به عنوان داده محسوب می‌شود.

P: احتمال یافتن فرد فراری از مالیات

: نرخ مالیات با احتساب جریمه (در صورت عدم تنظیم فرم مالیاتی)

: در آمد اعلام شده از سوی افراد

() (y-): درآمد فرد در صورت لو نرفتن

() (y-): () : در آمد فرد در صورت لو رفتن

Uy: میزان مطلوبیت که تابعی از درآمد فرض شده است

یک نتیجه ساده مدل عبارت از این است که اگر $P >$ باشد؛ درآمدها کمتر از واقعیت اعلام خواهد شد و فرار از مالیات صورت خواهد گرفت (امامی، ۱۳۹۰).

ویلیوتینی ۱۴ (۲۰۱۱) این موضوع را در قالب تئوری بازی‌ها مطرح می‌کند که بر اساس تئوری تئوری نمایندگی به دلیل عدم تقارن اطلاعات ایجاد می‌شود. در این مدل مودی باور دارد که احتمال دارد مالیات بر اساس اطلاعات تکمیل شده و تحویلی به سازمان مالیاتی برآورد شود و منشا خارجی برای اطلاعات وجود نداشته باشد. از طرف دیگر، سازمان مالیاتی می‌داند که درآمد اظهار شده بر اساس منفعت مودی بوده و فرض بر این است که مالیات مورد انتظار و جرایم مالیاتی با حسابرسی و هزینه‌های اجرای آن قابل افزایش است. با این وجود، محدودیت سازمان در این میان محدودیت منابع (زمان و هزینه) است. خروجی منطقی این بازی می‌تواند استراتژی تمکین مالیاتی برای مودی و حسابرسی برای سازمان مالیاتی باشد. قدر مسلم برای سازمان مالیاتی آن است که استراتژی حسابرسی جامع برای تمام مودیان هزینه‌ای بمراتب بیشتر از سایر روش‌های بررسی، همانند حسابرسی بر اساس انتخاب تصادفی و حسابرسی بر اساس مدیریت ریسک در بر خواهد داشت. بنابراین، یک استراتژی اساسی جهت توسعه سیستم‌های مدرن مالیاتی ایجاد یک عمل همانند بحث‌های مربوط به حاکمیت شرکتی^{۱۵} را می‌طلبد. این موضوع موارد ذیل را در بر خواهد داشت:

الف) ایجاد و توسعه سیستم‌های خود ارزیابی مودیان

ب) ترویج تبعیت اختیاری در بین مودیان

ج) بکارگیری مدیریت ریسک در انتخاب و حسابرسی مودیان

د) استقرار ساختار سازمانی بر اساس تمرکز بر عمل بجای تمرکز بر موقعیت جغرافیایی

و) تمرکز بر تخصص

ه) ارائه خدمت به مشتریان بر اساس تقسیم‌بندی انجام شده متناسب با نیازها آنان

اصول اساسی و مراحل اجرای حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک

بر اساس ادبیات موجود، اصول اصلی حسابرسی مبتنی بر ریسک را می‌توان زیر خلاصه نمود.

- **اعتماد توأم با بررسی**، در رویکرد حسابرسی مبتنی بر ریسک سازمان امور مالیاتی باور دارد که مودیان به صورت صادقانه مالیات‌های خود را محاسبه و پرداخت نموده‌اند. با این وجود، جهت اطمینان معقول از این که مالیات توسط مودی به درستی محاسبه و پرداخت شده، کنترل مجدد امری غیر منطقی نخواهد بود.
- **خود تشخیصی و ارزیابی مالیاتی**، مکمل رویکرد حسابرسی مبتنی بر ریسک این موضوع می‌باشد که مودیان دانش کافی از قوانین مالیاتی و تفسیر آن را دارا بوده و این موضوع امکان تشخیص، محاسبه و پرداخت مالیات را برای آنان به درستی فراهم می‌نماید.
- **عدالت**، در این رویکرد با مودیان تمکین‌کننده با احترام رفتار می‌شود در حالی که با مودیانی که تمکین مالیاتی نداشته‌اند با شدت به صورت مختلف و از جمله جریمه برخورد خواهد می‌شود.
- **خدمت به مودیان**، در این رویکرد سازمان امور مالیاتی به عنوان یک سازمان ارائه‌دهنده خدمات رفتار می‌کند و سعی دارد که احترام با مشتریان را در سرلوحه کار خود قرار دهد.

علاوه بر اصول اساسی حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک، می‌توان مراحل اجرای آن را نیز به ترتیب اولویت ارائه نمود. این در حالی است که مدل‌های حسابرسی مبتنی بر ریسک بیشتر با موضوع شناسایی پتانسیل‌های فرار و عدم تمکین مالیاتی جهت استفاده در راستای انتخاب نمونه انتخابی برای حسابرسی و همچنین، طرح مورد نیاز برای حسابرسی با استفاده از ویژگی‌های مشاهده شده از جامعه آماری، سر و کار دارند. با این وجود، در مدل‌های سنتی حسابرسی مالیاتی انتخاب نمونه مورد بررسی به صورت سلیقه‌ای، که توسط ممیز صورت می‌گیرد؛ انجام و طرح و روش حسابرسی بر اساس یک روش و طرح یکسان صورت می‌گیرد. شکل شماره (۱) روش حسابرسی مبتنی بر ریسک و حسابرسی سنتی را نشان می‌دهد.

بر این اساس، مراحل اجرای حسابرسی مبتنی بر ریسک را می‌توان به صورت زیر ارائه نمود:

الف. شناسایی عوامل پیش‌بینی‌کننده خطر (ریسک)

در بسیاری از کشورهایی که از تکنیک انتخاب برای حسابرسی مبتنی بر ریسک به منظور حسابرسی مالیاتی استفاده می‌کنند، روش انتخاب شاخص‌ها و معیارها و نیز چگونگی طبقه‌بندی آن‌ها کاملاً محرمانه است. زیرا بر این باورند که با افشای نحوه انتخاب برای حسابرسی مبتنی بر ریسک، برخی اشخاص فرصت طلب (حقیقی و حقوقی) به منظور پایین آوردن ریسک انتخاب، اقدام به دستکاری اظهارنامه‌های مالیاتی و سایر فاکتورهایی که ممکن است ملاک عمل سازمان مالیاتی برای برآورد ریسک مودی قرار گیرد؛ می‌نمایند. از این رو، انتخاب عوامل و فاکتورها برای حسابرسی مبتنی بر ریسک و نحوه عملکرد آن در هر کشور سری بوده و استفاده از ریز عوامل مورد استفاده در سایر کشورها به عنوان پایه عملاً غیر ممکن می‌نماید (باقری و عموری، ۱۳۸۸).

نقطه شروع برای شناسایی عوامل پیش‌بینی‌کننده، انتخاب مسیر درست در تعریف و تعیین موارد عدم تمکین مالیاتی است تا براساس آن بتوان عوامل موثر را شناسایی نمود. بعد از تعریف معیار عدم تمکین یا ریسک می‌توان از تجربه کشورهای دیگر (هرچند با سختی) استفاده کرد و همچنین از نتایج تحقیقات، پرسش از افراد با تجربه و سایر روش‌ها، لیستی از عوامل پیش‌بینی‌کننده را برگزید. به عنوان مثال باقری و عموری (۱۳۸۸)، در تحقیقی به شناسایی و اولویت‌بندی نسبت‌های مالی اثرگذار بر درآمد مشمول مالیات جهت تعیین ریسک اظهارنامه‌های مودیان پرداخته‌اند. آن‌ها با به‌کارگیری پرسشنامه و تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس تکنیک تحلیل سلسله‌مراتبی به این نتیجه دست یافته‌اند که نسبت‌هایی از قبیل نسبت سود خالص، نسبت سود ناخالص، سود هر سهم، بازده سهام، بازده سرمایه در گردش که به نوعی بر اساس سود شرکت محاسبه می‌شوند با اثرگذاری بر درآمد مشمول مالیات، در تعیین ریسک اظهارنامه مودیان از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. این در حالی است که عوامل مالی مورد استفاده قرار گرفته توسط آنان تنها بخشی از عوامل موثر بر ریسک است.

ب. رتبه‌بندی مودیان بر اساس ریسک تمکین

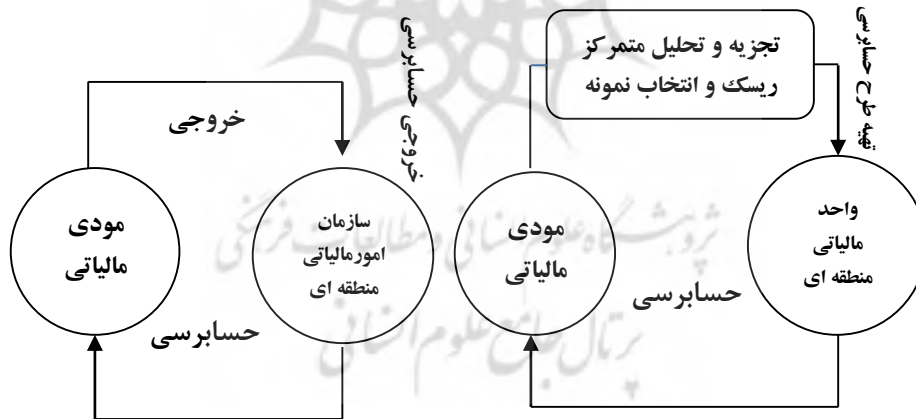
استفاده از تکنیک‌های جدید داده کاوی امکان تعیین رتبه‌بندی مودی از لحاظ ریسک را بر اساس داده‌های دریافتی فراهم نموده است. در واقع در این روش بر اساس داده‌های مودی همانند اندازه، نوع صنعت، تاریخچه تمکین یا عدم تمکین و سایر اطلاعات و همچنین بر اساس دانش و تجربه به دست آمده از حسابرسی‌های قبلی و طراحی مدل پیش‌بینی امکان تعیین امتیاز ریسک هر مودی قابل تعیین است.

ج. تهیه و تنظیم طرح حسابرسی بهینه

حسابرسی مبتنی بر ریسک همانند هر حسابرسی علمی می‌تواند به دو بخش شیوه انتخاب نمونه (مودی) و طرح حسابرسی تقسیم گردد. در طرح حسابرسی، حسابرس با توجه به عوامل ریسکی برای مودی انتخابی یک طرح و برنامه حسابرسی مالیاتی خاص را جهت مودی تدوین و اجرا می‌نماید. بنابراین طرح حسابرسی بسته به نوع ریسک عدم تمکین تعیین شده برای مودیان می‌تواند متفاوت باشد.

روش حسابرسی سنتی

حسابرسی مبتنی بر ریسک



نگاره (۱): مقایسه مراحل روش حسابرسی مبتنی بر ریسک و حسابرسی سنتی

حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک: تجاربی از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه

با توجه به بحث‌های مطرح شده در سطح جهانی و تجاربی کشورهای اجراء کننده رویکرد حسابرسی مبتنی بر ریسک و همچنین برنامه‌های تحقیقی و ترویجی بانک جهانی برای اصلاح نظام‌های مالیاتی کشورها، این امر مسجل گردیده که رویکرد حسابرسی مبتنی بر ریسک یک ضرورت است. با این وجود، سوال اساسی آن است که چگونه می‌توان این سیستم را در کشورهای مختلف اجرا نمود؟ علاوه بر آن، این موضوع که به چه طریقی می‌توان این مهم را در زودترین زمان به انجام رسانید؟ موضوع دیگری است که از هر حیث دارای اهمیت است. بنابراین، ذیلاً به مرور تجاربی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، که عمدتاً از کتاب حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک، نوشته راجل^{۱۶} و همکاران (۲۰۱۱) از انتشارات بانک جهانی استخراج شده، پرداخته شده است.

الف. حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک: تجاربی از کشورهای توسعه یافته

کشورهای توسعه یافته با درک و اهمیت حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک توانسته‌اند سازمان مالیاتی خود را به صورت شبکه‌ای توسعه دهند که در آن بانک اطلاعاتی مودیان به خوبی توسعه یافته است. در این کشورها اظهارنامه‌ها به صورت ۱۰۰ درصد الکترونیکی اجرا می‌گردد و متخصصین فناوری اطلاعات در سطح بالایی در دسترسی بوده و بانک اطلاعاتی مودیان قابل اتصال به سایر منابع اطلاعاتی از سایر سازمان‌ها می‌باشد. در زیر مثال‌های از کشورهای توسعه یافته در این راستا ارائه گردیده است.

حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک در سوئد

دولت سوئد برای اجرای حسابرسی مبتنی بر ریسک جهت انتخاب مودیان با ریسک بالا برای سه عامل منابع انسانی، ساختار سازمانی و همکاری سازمان‌های دیگر با سازمان امور مالیاتی اهمیت خاصی قائل شده است. در این کشور به نقش آموزش کارکنان در اجرای طرح توجه شده و اولین مرحله از جمع‌آوری و تحلیل داده‌های موثر توسط کارکنان صورت می‌گیرد. در کنار استفاده از خدمات نیروی انسانی ماهر جهت تعیین عوامل موثر بر ریسک و رتبه‌بندی مودیان از سایر روش‌ها مانند روش‌های قانون محور، رتبه‌بندی از طریق بانک‌های اطلاعاتی، داده کاوی و سایر روش‌ها

استفاده می‌گردد. در این کشور روش انتخاب دستی جهت تعیین مودی مورد بررسی یک روش منسوخ شده است. هرچند روش حسابرسی تصادفی در مورد مودیانی که تحت عنوان داده‌های نارایب قرار می‌گیرند؛ در مواردی اجرا می‌شود؛ اما تاکید اصلی نظام مالیاتی بر سیستم حسابرسی مبتنی بر ریسک به صورت متمرکز و همچنین در سطح منطقه‌ای است. انتخاب مودیان با ریسک بالا در سیستم متمرکز به طور اتوماتیک، اما با اعمال نظر مدیران ادارات مالیاتی مناطق صورت می‌گیرد.

حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک در هلند

این کشور دیدگاه احترام به مودی را محور کار خود قرار داده است و بیشتر مراحل با نظر مودی انجام می‌پذیرد و تنها آخرین راهکار توسل به اجبار قانونی است. استفاده از مدیریت ریسک یک جریان و ابزاری منظم برای تحریک مودی به تمکین و رعایت قوانین در این کشور به خوبی جواب داده است. در این کشور تاکید بر استفاده از ابزارهای پیش‌گیرانه همچون قوانین مناسب، ارتباطات مناسب با مودیان و ارائه خدمات مورد نیاز به مودیان می‌باشد. به طور مثال، میز خدمات و مرکز تلفن جهت هرگونه خدمات مشاوره‌ای در نظر گرفته شده و علاوه بر آن، برای مودیان امکان ارائه پیش اظهارنامه فراهم گردیده است. هدف از اجرای این موارد کاهش خطاهای مودیان مالیاتی است. در تحقیقی که در سال ۲۰۰۸ توسط سازمان مالیاتی کشور هلند انجام گردیده، نشان داده شده است ۸۴ درصد از پاسخ‌دهندگان از شفافیت مراحل مالیاتی رضایت داشته‌اند. میزان رضایت پاسخگویان از در دسترس بودن خدمات مالیاتی همچون میز پاسخگویی و تلفن راهنمایی نیز ۶۴ درصد بوده است. همچنین ۷۴ درصد پاسخ‌دهندگان از امکانات ارائه شده در وب سایت سازمان راضی بوده‌اند و نکته بسیار جالب و قابل توجه آن که ۹۲ درصد از پاسخ‌دهندگان فرار مالیاتی را امری غیر قابل قبول دانسته و ۸۷ درصد اعلام نموده‌اند که هرگز فرار مالیات نداشته‌اند. در این کشور روش انتخاب دستی جهت تعیین مودی مورد بررسی، یک روش منسوخ شده است. روش حسابرسی تصادفی برای ۱۰ درصد از مودیان انجام می‌شود اما تاکید اصلی نظام مالیاتی بر سیستم حسابرسی مبتنی بر ریسک به صورت متمرکز و همچنین در سطح منطقه‌ای می‌باشد. انتخاب مودیان با ریسک بالا در سیستم متمرکز به طور اتوماتیک، اما با اعمال نظر مدیران ادارات مالیاتی مناطق صورت می‌گیرد.

حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک در انگلستان

در انگلستان و برای اولین بار در سال ۱۹۸۰ از دیدگاه مدیریت ریسک برای مالیات بر درآمدهای مستقیم در سطح مناطق استفاده شده و در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ نیز استفاده از روش خودارزیابی آغاز گردیده است. اما بر خلاف بسیاری از کشورهای توسعه یافته، در این کشور برای حدود ۵۵ درصد موارد حسابرسی از روش‌های انتخاب دستی استفاده می‌گردد. با این وجود، برای حدود ۱۰ درصد از حسابرسی‌ها صورت گرفته در این کشور از نمونه‌گیری تصادفی برای مودیان خودارزیاب استفاده می‌شود. همچنین در اجرای حسابرسی مبتنی بر ریسک تکنیک‌های داده‌کاوی، درخت تصمیم و همچنین شبکه‌های عصبی برای تعیین مدل و انتخاب مودیان ریسکی نیز به کار گرفته شده که این روش حدود ۳۵ درصد از حسابرسی‌ها را تشکیل می‌دهد. روش اجرای حسابرسی مبتنی بر ریسک به صورت تلفیقی از متمرکز - اتوماتیک و غیر متمرکز دستی صورت می‌پذیرد.

حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک در بلغارستان

کشور بلغارستان اجرای روش خود ارزیابی را از سال ۲۰۰۰ جهت دریافت اطلاعات بیشتر از مودیان و تشویق به رعایت قوانین مالیاتی شروع نموده و امروزه بعد از یک دهه تجربه این کشور با استفاده از تجارب کسب شده روش‌های انتخاب حسابرسی خود را با ابزارهای مختلف توسعه داده است. جهت اجرایی کردن حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک یک گروه سازمانی تعریف شده وجود دارد که شامل مدیران اجرایی سازمان‌های مالیاتی، ۱۸ متخصص مالیاتی و سه معاون، که مسئولیت موارد خاص در بحث حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک را به عهده دارند؛ می‌شود. هرچند اساس برآورد ریسک، استفاده از سیستم فنآوری اطلاعات می‌باشد؛ اما در این کشور مدیریت ریسک شامل تعیین و تعریف ریسک، تجزیه و تحلیل‌های عامل‌های ریسک، اولویت‌بندی و تعیین اهمیت عامل‌های انتخابی، روش‌های جلوگیری اثرات ریسک بر سازمان امور مالیاتی و ارزیابی جریان به منظور بهینه سازی می‌باشد. در این کشور روش انتخاب دستی جهت تعیین مودی مورد بررسی، به صورت موردی و در برخی موارد با تأثیرپذیری از معیارهای ریسک اجرا می‌شود. در این کشور روش حسابرسی تصادفی بر خلاف سایر کشورها اجرا نمی‌شود. حسابرسی مبتنی بر ریسک به صورت متمرکز و بر اساس تجزیه تحلیل معیارهای تعریف شده و راهکارهای تعیین شده توسط سازمان صورت می‌پذیرد.

ب. حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک: تجاربی از کشورهای در حال توسعه

هرچند در بسیاری از کشورهای در حال توسعه حمایت‌های مالی و غیر مالی از سوی موسسات بین‌المللی برای پیاده‌نمودن حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک صورت گرفته، اما لازمه اجرای چنین سیاست‌هایی در این کشورها وجود پتانسیل‌های متعددی است. از نظر کاواجا و همکاران (۲۰۱۱)، عوامل ذیل بخشی از این پتانسیل‌های لازم را تشکیل می‌دهد:

- رسیدن به فهم و تقاضا برای استفاده و به روز کردن روش‌های ارزیابی ریسک
 - وجود فضای مالیاتی مناسب، شامل بسترهای قانونی تسهیل‌کننده ارزیابی ریسک و به طور خاص وجود سیستم خودارزیابی
 - وجود حداقل‌های سیستم‌های فناوری اطلاعات
 - امکان استفاده از متخصصین داخلی و خارجی در سازمان مالیاتی کشورها جهت توسعه سیستم‌های موجود یا ایجاد سیستم‌های ارزیابی جدید
- این قسمت می‌کوشد تا تجربه برخی از کشورهای در حال توسعه را در زمینه حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک ارائه نماید.

حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک در هندوستان

آمار سال ۲۰۰۷ کشور هند نشان از وجود ۳۰ میلیون مودی مالیاتی دارد که از این تعداد ۳۰۰ هزار مورد به شرکت‌ها تعلق داشته است. در این کشور حسابرسی مالیاتی به صورت فعال از سال ۱۹۸۷ آغاز گردیده، اما امکانات محدود این کشور، اجرای کامل حسابرسی را مقدور نمی‌ساخته و به همین علت طی این سال‌ها همیشه شکایت از سازمان مالیاتی کشور وجود داشته است. بر این اساس، در دهه ۱۹۹۰ هیات مرکزی مالیات‌های مستقیم این کشور بحث مدیریت ریسک را در حسابرسی مطرح نموده و در سال ۲۰۰۴ این هیات حرکت عملی خود را به سوی سیستم خودارزیابی با اتکا بر حسابرسی مبتنی بر ریسک و با استفاده از حمایت سیستم‌های فن‌آوری اطلاعات شروع نموده است. در این کشور از سال ۲۰۰۶ ارائه اظهارنامه مالیاتی الکترونیکی برای تمام شرکت‌ها اجباری گردیده و این موضوع برای تمام مودیان و موسسات خارجی با درآمد بیشتر از ۴ میلیون روپیه از سال ۲۰۰۷ اجباری گردیده است. همچنین، هیات مرکزی مالیات‌های مستقیم معیارهایی را برای انتخاب موارد مورد نیاز به حسابرسی مشخص نموده که امروزه با

وارد کردن این معیارها به سیستم‌های کامپیوتری امکان انتخاب مودیان پر ریسک از طریق این سیستم‌ها امکان‌پذیر است.

حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک در قزاقستان

در قزاقستان تسهیلاتی جهت تبعیت اختیاری فراهم شده و به تبع آن سیستم مدیریت ریسک برای تعیین ریسک مودیان ایجاد گردیده و در این کشور برای تعیین عامل‌های ریسک از شاخص‌های متعددی استفاده می‌شود. بر اساس این عوامل به هر مودی امتیازی بین ۵ تا ۳۳۰ تعلق گرفته و بر این اساس مودیان به سه گروه با ریسک بالا، ریسک متوسط و ریسک پایین دسته‌بندی می‌شوند. میزان مالیات پرداختی مودی کمتر از متوسط بخش یا صنعت مورد نظر، میزان مدارک تحویل شده بدون اعتبار و سابقه حسابرسی‌های سال‌های گذشته را می‌توان به عنوان برخی از معیارهای ریسک در این کشور بر شمرد. بر اساس سطح‌بندی مذکور، مودیان با ریسک بالا، سالانه مورد حسابرسی قرار گرفته و این در حالی است که برای مودیان با ریسک متوسط و پایین حسابرسی‌ها به ترتیب هر سه و پنج سال برنامه‌ریزی شده است. بررسی اولیه صورت گرفته در این کشور نشان داده است که ۸۰ درصد از شرکت‌ها دارای ریسک بالا، ۱۵ درصد ریسک متوسط و تنها ۵ درصد دارای ریسک پایین بوده‌اند. در این کشور روش انتخاب دستی جهت تعیین مودی از سال ۲۰۱۰ به بعد مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. همچنین، این کشور برنامه‌ای برای اجرای روش حسابرسی تصادفی نداشته، در حالی که حسابرسی مبتنی بر ریسک به صورت متمرکز و بر اساس تجزیه تحلیل معیارهای دستی تعریف شده و به صورت اتوماتیک انجام می‌پذیرد.

حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک در اکراین

در این کشور برای تعیین معیارهای ریسک از ارتباطات متعدد بین کارشناسان اداره مرکزی مالیات و مناطق مختلف سود جسته شده و یکی از عوامل مهم در تعیین ریسک اندازه کارکرد مودی است. این نیز بدان دلیل است که در این کشور ۹۰ درصد از مودیان کوچک، ۶/۴ متوسط و تنها ۳/۵ درصد آن‌ها را مودیان بزرگ تشکیل می‌دهد. این در حالی است که مودیان بزرگ ۸۴ درصد از درآمد مالیاتی و ۷۲ درصد از مالیات‌های پرداختی این کشور را به خود اختصاص داده‌اند. در این کشور ۳۲ معیار برای تعیین ریسک شرکت‌ها تعریف شده که میزان مطابقت رشد درآمد با رشد مالیات پرداختی از آن جمله محسوب می‌شود. یک بررسی صورت گرفته در سال

۲۰۰۹ نشان داده است که ۸۷ درصد از شرکت‌های انتخابی که مورد حسابرسی قرار گرفته‌اند بین ۵ تا ۱۵ مورد از معیار ریسک را دارا بودند. در این کشور روش انتخاب دستی جهت تعیین مودی مورد بررسی یک روش منسوخ شده است و روش حسابرسی تصادفی نیز اجرا نمی‌گردد. تاکید اصلی نظام مالیاتی اوکراین بر سیستم حسابرسی مبتنی بر ریسک به صورت متمرکز و همچنین در سطح منطقه‌ای است. اگر چه در این کشور انتخاب مودیان با ریسک بالا در سیستم متمرکز به طور اتوماتیک صورت می‌گیرد؛ اما برآورد امتیازدهی به صورت دقیق مشخص نیست. اجرای سیستم حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک نشان از افزایش کارایی سیستم مالیاتی و تمکین داوطلبانه در این کشور داشته است. به عنوان مثال در طول اجرای سیستم حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک در این کشور کاهش ۱۰ درصدی در هزینه‌های جمع‌آوری مالیاتی و افزایش بین ۴۵ تا ۷۵ درصدی در درآمدهای مالیاتی مشاهده شده است.

حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک: جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و سیاست‌های

پیشنهادی

شناسایی مودیان مالیاتی پر ریسک و قرار دادن آنها در نمونه انتخابی حسابرس مالیاتی، به منظور رسیدگی در هر نظام مالیاتی از اهمیت زیادی برخوردار است. در پروژه حسابرسی مبتنی بر ریسک و با تمرکز حسابرسی بر مودیان با ریسک بالا زمینه تخصیص بهینه منابع سازمان امور مالیاتی و افزایش تمکین مالیاتی فراهم می‌گردد. بررسی تجارب کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نیز نشان می‌دهد با توجه به فعالیت‌های انجام شده در زمینه حسابرسی مبتنی بر ریسک می‌توان این کشورها را در سه سطح پایین، متوسط و بالا جای داد.

ویژگی‌های هر گروه نیز به قرار ذیل است:

<p>استفاده از سیستم فنآوری اطلاعات در سطح پائین، دفاتر و سازمان‌های منطقه‌ای دسترسی به سیستم‌های شبکه ندارند، داده‌های کاملی از مودیان وجود ندارد، امکان دسترسی به سایر بانکهای اطلاعاتی به راحتی وجود ندارد، سیستم‌های بانکی بصورت کامل کامپیوتری نشده است، تکمیل اظهارنامه الکترونیکی اجرایی نشده است، گسترش سیستم‌های فنآوری اطلاعات با توجه به محدودیت‌های نیروی انسانی با مشکل روبرو است (بطور مثال سیستم مالیاتی کشورهای جمهوری گرجستان، یمن و کنیا).</p>	<p>ویژگی‌های کشورهای با سطح پائین حسابرسی مبتنی بر ریسک</p>
<p>سازمان مالیاتی بصورت شبکه‌ای هستند، بانک اطلاعاتی از مودیان وجود دارد، تکمیل اظهار نامه الکترونیکی عمومی شده است، متخصصین فنآوری اطلاعات در دسترس بوده یا قابل تامین از خارج سازمان مالیاتی می‌باشند، امکان ارتباط با سایر بانک‌های اطلاعاتی وجود ندارد، داده‌های موجود قابلیت اتکا کافی ندارند و دائم در حال تغییر می‌باشند (بطور مثال سیستم مالیاتی کشورهای بلغارستان، هند، قزاقستان و اکراین).</p>	<p>ویژگی‌های کشورهای با سطح متوسط حسابرسی مبتنی بر ریسک</p>
<p>سازمان مالیاتی بصورت شبکه‌ای هستند، بانک اطلاعاتی مودیان بخوبی توسعه یافته است، اظهار نامه الکترونیکی بصورت ۱۰۰ درصد اجرا می‌گردد، متخصصین فنآوری اطلاعات در سطح بالایی در دسترس می‌باشند، بانک اطلاعاتی مودیان قابل اتصال به سایر منابع اطلاعاتی از سایر سازمان‌ها می‌باشند (بطور مثال سیستم مالیاتی کشورهای انگلستان، سوئد و هلند).</p>	<p>ویژگی‌های کشورهای با سطح بالای حسابرسی مبتنی بر ریسک</p>

لازم به یادآوری است علی‌رغم مزایای اشاره شده برای اجرای حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک، اجرای این روش می‌تواند با چالش‌های نیز همراه باشد. برخی از این چالش‌ها عبارتند از:

- **مقاومت برخی از سیاستمداران حوزه امور مالیاتی در اجرا:** سیاستمداران بدنبال اجرای سیستم مالیاتی سنتی با درآمد ثابت بوده؛ چون بر این باورند که افزایش درآمد مالیاتی می‌تواند به عنوان ابزار سیاسی در دست گروه‌های رقیب آنان قرار گیرد.

- **نیاز به تغییر رفتار مودیان در تمکین:** مدیریت حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک نیاز به تغییر رفتار مودیان در تمکین دارد که این نیز ممکن است چالش‌هایی برای سازمان مالیاتی از سوی دو گروه معترضان نظام مالیاتی و مقاومان مالیاتی ایجاد نماید.
- **عدم اطمینان و همکاری سایر سازمان‌ها:** عدم اطمینان و همکاری سازمان‌ها برای تدوین و اجرای قوی مدیریت حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک نیز می‌تواند از چالش‌های پیش روی اجرا قلمداد شود.

باتوجه به مجموعه مباحث ارائه شده جهت بر طرف ساختن مسائل و مشکلاتی موجود در سیستم مالیاتی ایران که حجم انبوه و رو به افزایش اظهار نامه‌های مالیاتی، عدم پیش‌ممیزی برای حسابرسی مالیاتی، محدودیت زمانی جهت رسیدگی به اظهارنامه‌ها و محدودیت نیروی انسانی بخشی از این مشکلات را تشکیل می‌دهد (ظهوریان، ۱۳۸۹) نیاز به راه‌اندازی سیستم مناسب مبتنی بر ریسک جهت شناسایی و تعیین عوامل موثر بر ریسک مالیاتی بیش از پیش احساس می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها

¹ Economic Policy Analysis (ECOPA)

² Tax Complying

^۳ جهت اطلاعات بیشتر به مقاله بیگ پور (۱۳۸۶) مراجعه شود

⁴ Tax Evasion

⁵ Tax Avoidance

⁶ Michael Wenzel

⁷ Tax Noncompliance

⁸ Noncompliance Groups

⁹ Tax Protesters

¹⁰ Tax Resisters

¹¹ Burg, 2004.

¹² Alm, et al. , 1993.

¹³ Alm and McKee, 2004.

¹⁴ Vellutini, 2011.

¹⁵ Corporate Governance

¹⁶ Rajul, et al. , 2011

منابع

۱. امامی. احمد (۱۳۹۰)، " بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در شرکتها (با تأکید بر مؤدیان بزرگ) "، وبلاگ حسابداری ارشد دانشگاه اصفهان، <http://jit.blogfa.com/post-1028.aspx>
۲. باباجانی، جعفر و مرادمند، محمد جواد (۱۳۸۷)، " ارزیابی عملکرد اجرای ماده ۲۷۲ ق. م. م "، مطالعات حسابداری، شماره ۱۷، ۱۰۵-۱۲۸.
۳. باقری، بهروز و عموری، مهدی (۱۳۸۸) "شناسایی و اولویت‌بندی نسبت‌های مالی اثرگذار بر درآمد مشمول مالیات"، پژوهشنامه مالیات، شماره چهارم، (۵۲).
۴. بیگ پور، محمد علی (۱۳۸۶)، " خوداظهاری مالیات و آثار و تبعات آن در اقتصاد و جامعه یک کشور "، حسابرس، شماره ۳۶، صفحه ۷۱-۷۳.
۵. رضایی، محمد قاسم (۱۳۸۹)، "علل ناکارآمدی نظام مالیاتی ایران"، روزنامه سرمایه، دوشنبه، ۲۵ بهمن.
۶. شهبواری، عیسی (۱۳۸۹)، "علل ناکارآمدی نظام مالیاتی ایران"، روزنامه سرمایه، دوشنبه، ۲۵ بهمن.
۷. ظهوریان، ابوالفضل (۱۳۸۹)، "انتخاب برای ممیزی مالیاتی بر مبنای ریسک"، پژوهشنامه مالیات، سال هجدهم، شماره ۸.
8. Alm, J. , R. Bahl, and M. Murray. 1993. Audit Selection and Income Tax Underreporting in the Tax Compliance Game. *Journal of Development Economics* 42 (1) : 1° 33.
9. Alm, J. , C. Blackwell, and M. McKee. 2004. Audit Selection and Firm Compliance with a Broad-Based Sales Tax. *National Tax Journal* 57 (2) : 209° 27.
10. Alm, J. , and M. McKee. 2004. Tax Compliance as a Coordination Game. *Journal of Economic Behavior and Organization* 54 (3) : 297° 312.
11. Andreoni, J. , B. Erard, and J. Feinstein. 1998. Tax Compliance. *Journal of Economic Literature* 36 (2) : 818° 60.
12. Charles Vellutini, 2011, Key Principles of Risk-Based Audits, Munawer Sultan Khwaja, Rajul Awasthi, and Jan Loepnick: Risk-Based Tax Audits-Approaches and Country Experiences, The International Bank for Reconstruction and Development / The World Bank, 1818 H Street NW, Washington DC 20433.
13. David F. Burg (2004). A World History of Tax Rebellions. pp. vi-viii. <http://books.google.co.uk/books?id=T91k6HAODzAC&lpg=PP1&pg=PP1#v=onepage&q&f=false>.

14. DTCA (Dutch Tax and Customs Administration). 2008. Dutch Tax and Customs Administration Business Plan 2008° 2012. DTCA, Amsterdam. http://download.belastingdienst.nl/belastingdienst/docs/businessplan_2008_%202012_bjv0031z81fdeng.pdf.
15. Khwaja Munawer Sultan, Rajul Awasthi, Jan Loeprick (2011). Risk-Based Tax Audits-Approaches and Country Experiences, The International Bank for Reconstruction and Development / The World Bank, 1818 H Street NW, Washington DC 20433
16. Michael Wenzel (2002). The Impact of Outcome Orientation and Justice Concerns on Tax Compliance, Journal of Applied Psychology. pp. 4° 5. <http://ctsi.anu.edu.au/publications/taxpubs/Wenzel.JAP.pdf>.

